یادداشت روز

خطای راهبردی در تحلیل سوریه

گرفتن سرپل از مقاومت و سپس توسعه آن، حکایت تلاش ۴۶ سال است اما بعضی بدون توجه به تاریخ، وقوع یک اتفاق را محور قرار داده و بقیه مسائل را با آن تحلیل کرده و افق تحولات را هم بر اساس آن تبیین می‌نمایند. از این‌رو در زمان‌های مختلف شاهد انتشار تحلیل‌های فراوان مبتنی بر تعمیم نتایج یک پدیده بر سایر پدیده‌ها بوده‌ایم و اینک می‌توانیم با قاطعیت بگوییم خطا بوده است. الان در صحنه تحولات، با سقوط یک دولت مقاومت در منطقه مواجه شده‌ایم و باید اعتراف کنیم که دشمنان یک سرپل مهم از محور مقاومت گرفته‌اند. اما خطاست اگر گمان کنیم روند منطقه و تحولات در منطقه به سمت غلبه مخالفان بر مقاومت تغییر مسیر داده است. مرور تحولات این ۴۶ سال خطا بودن چنین نگاهی را نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۶۱ حدود دو هفته پس از بازپس‌گیری خرمشهر توسط قوای نظامی ایران، رژیم صهیونیستی از فضای درگیری‌های داخلی لبنان استفاده و به این کشور حمله کرد و چند برابر مساحت خرمشهر را - که عمدتاً به شیعیان لبنان تعلق داشت - به تصرف خود درآورد. فضای رعب ناشی از اقدام سریع ارتش اسرائیل و ضعف شدید نظامی لبنان، این تصور را رقم می‌زد که اشغال لبنان دائمی خواهد بود. در آن زمان تحلیل‌های زیادی در رسانه‌های عربی و غیرعربی نوشته می‌شد که از تهاجم قریب‌الوقوع ارتش اسرائیل به سوریه حکایت می‌کرد. اما برخلاف این تحلیل‌ها، ارتش متجاوز اسرائیل چهار سال پس از تجاوز، در سال ۱۳۶۵ استان بیروت و مناطق شمالی و شرقی آن را ترک کرد و اولین عقب‌نشینی ارتش اسرائیل رقم خورد. در آن زمان شهید سیدحسن نصرالله فرمانده نظامی حزب‌الله در استان بیروت بود.

یک واقعه دیگر مذاکرات مادرید و توافق اسلو بود که در سال ۱۳۷۲ صورت گرفت. در آن زمان دولت‌های غربی، عربی، روسیه، چین، اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین که مهم‌ترین سازمان نظامی فلسطین بود، توافقی را شکل دادند که ظاهر آن حل و فصل نهائی مسئله فلسطین و حل منازعه بین اسرائیل و فلسطینی‌ها اما باطن آن، تثبیت اسرائیل و حذف فلسطین از معادله منطقه بود. در آن زمان جو آن‌قدر به نفع توافق اسلو غلیظ بود که بعضی دوستان منطقه‌ای به مسئولان ما می‌گفتند، «مسئله تمام شده و نادیده گرفتن یک توافق جهانی، دیوانگی است.» اما برخلاف آنچه تصور می‌شد مذاکرات و توافق و درواقع طرح اسلو، به حل مسئله منجر نشد، به انتفاضه سال ۲۰۰۰ ختم شد که طی آن هم درگیری نظامی میان طرفین، جای سازش را گرفت و هم سازمان آزادی‌بخش فلسطین جای خود را به گروه‌های جدید جهادی داد. این در حالی بود که همان‌طور که گفته شد، برای تحقق اهداف اسلو، همه دولت‌های اروپایی، آمریکایی، عربی، اسرائیل، روسیه، چین، سازمان ملل و مهم‌ترین سازمان فلسطینی همداستان شده بودند.

یک رخداد دیگر، اشغال نظامی عراق از سوی آمریکا و انگلیس در روزهای آخر سال ۱۳۸۲/ اول بهار ۲۰۰۳ بود. در این ماجرا همه تحلیل‌ها و تصورها این بود که کار جمهوری اسلامی هم تمام است، بنابراین ایران یا همه سیاست‌های داخلی و خارجی خود را تغییر می‌دهد و یا اینکه مانند دولت‌های افغانستان و عراق از بین می‌رود. در آن زمان هنوز «جبهه مقاومت» وجود نداشت و دولت‌هایی در سوریه، سودان و حزب‌الله در لبنان با جمهوری اسلامی همراهی داشتند. جو آن‌قدر غلیظ بود که یکی از معاونان وقت وزارت امور خارجه ایران در اقدامی عجیب، از طریق سفارت سوئیس - به‌عنوان حافظ منافع آمریکا در ایران - با تقدیم یک فکس به وزارت خارجه آمریکا اطلاع داد «ایران آمادگی دارد همه اختلاف خود با آمریکا را به گونه‌ای که منجر به رضایت ایالات متحده شود، حل کند.» براثر این جو، یک جمع ۱۲۳ نفری از نمایندگان وقت مجلس ایران، طی بیانیه‌ای خطاب به رهبر معظم انقلاب، تغییر اساسی در سیاست خارجی نظام را خواستار شدند! در همان زمان نخست‌وزیر وقت انگلیس، تونی‌بلر در جمع نظامیان انگلیسی مستقر در بصره اعلام کرده بود «آنچه بر افغانستان و عراق گذشت یک پیام آشکار به ایران بود تا سیاست‌های خود را تغییر دهد.» اما برخلاف آنچه تصور و بیان می‌شد صحنه به شکل دیگری رقم خورد و آمریکا سه سال پس از اشغال نظامی عراق به بن‌بست نظامی گرفتار شد و زمزمه خارج شدن از عراق آغاز کرد و جرج بوش در سال ۱۳۸۶/ ۲۰۰۷ ناگزیر شد توافق امنیتی خروج از عراق را با نوری المالکی نخست‌وزیر وقت عراق امضا نموده و دو سال بعد، خروج از این کشور را آغاز نماید. البته پیش از این و آنچه در اولین سالگرد اشغال عراق پیش آمد یعنی تن دادن آمریکا به تشکیل شورای عراقی حکم، اولین نشانه‌های بن‌بست آمریکا را بروز داده بود.

با شکست برنامه نظامی آمریکا در عراق و افغانستان، خیزش‌های عربی شکل گرفت که رژیم‌های سنتی عربی وابسته به آمریکا را هدف قرار داد و منجر به تغییر وضعیت در پنج کشور عربی شد. غربی‌ها درصدد برآمدند با بدل زدن به این خیزش‌ها، مسیر تحولات را برگردانند. از این‌رو گروه‌های تکفیری با نام‌های مختلف شکل گرفتند و با سرعت زیاد منطقه را تحت تأثیر خود قرار دادند. این گروه‌ها، آشکار و پنهان از سوی آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی، ترکیه و اکثر دولت‌های عرب حاشیه خلیج‌فارس حمایت می‌شدند اما این پروژه هم چندان دوام نیاورد و تا سال ۱۳۹۷ / ۲۰۱۸ عملاً تحت کنترل درآمد. شکست پروژه گروه‌های تکفیری، سبب تقویت بیشتر جریانات مقاومتی و جبهه مقاومت شد.

پس از این تحولات، غربی‌ها پیمان ابراهیم ناظر بر عادی‌سازی عربی - اسرائیلی را روی میز گذاشته و چند دولت عرب با خود همراه کردند. در این زمان وقتی فضای توافق اسلو برگشت، خیلی‌ها گمان کردند از این پس این اسرائیل است که آینده منطقه را رقم می‌زند و دیگر جایی برای اندیشه‌ها و راهکارهای معارض نظیر «جریان مقاومت» باقی نمی‌ماند. اما به‌زودی در این کار هم گره افتاد و این روند پس از پیوستن لرزان سودان و مراکش متوقف گردید. کمی بعد، جهان با عملیات حیرت‌انگیز فلسطینی‌های ساکن در غزه - طوفان الاقصی - مواجه گردید. اقدام فلسطینی‌ها آن‌قدر مؤثر بود که صحنه منطقه را دگرگون کرد. اسرائیل که تا قبل از آن خود را در موقعیت «حکمران منطقه» می‌دید، به یک باره به موقعیتی نزول کرد که به گفته نتانیاهو مابین مرگ و حیات قرار گرفت. با واکنش خشن اسرائیل و شروع جنگ علیه غزه، جهان علیه اسرائیل به پاخاست، دولت‌های غربی شکل‌گیری دولتی فلسطینی در مرزهای ۱۹۶۷ را مطرح کردند تا بر جراحات ناشی از حملات وحشیانه رژیم، مرهم گذارند. دادگاه لاهه به بازداشت سران اسرائیل رأی داد. ارتباطات عربی - اسرائیلی از هم گسیخته شد و مقاومت در سطح جهان به‌عنوان تنها گزینه ممکن، مورد تمجید قرار گرفت. پس در اینجا هم یک بار دیگر ورق برگشت.

پس از این صحنه، آمریکا، اسرائیل و ترکیه به ابتکار جدیدی دست زدند؛ این ابتکار، تغییر دولت در دمشق بود. وضع داخلی سوریه طی ده سال گذشته به گونه‌ای بود که شکل‌دهی به یک جبهه کوچک هم می‌توانست به تغییر حاکمیت سیاسی منجر شود اما آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها به دلیل نگرانی‌هایی که داشتند، تغییر دولت را اجرائی نکردند تا اینکه مشکلات شدید در مدیریت تحولات منطقه، آنان را به‌شدت به آن نیازمند کرد. نخست‌وزیر اسرائیل در سخنرانی مرداد ماه گذشته در سازمان ملل، از ضرورت همکاری همگان برای تغییر در خاورمیانه صحبت کرد و گفت «اگر خاورمیانه تغییر نکند، ایران نقشه آینده آن را ترسیم خواهد کرد». این عبارات بیانگر آن بود که از نظر آنان باید کاری صورت گیرد تا همگان تغییر در خاورمیانه را لمس کرده و با اسرائیل در این مسیر همراه شوند.

این کار نمادین، «تغییر نظام سیاسی سوریه» بود. در ایجا اسرائیل برای رها شدن از نگرانی‌های امنیتی قبلی خود، به عملیات نظامی و تصرف بخش‌هایی از سوریه دست زد. از نظر رژیم اسرائیل سقوط یک دولت متعارف در دمشق در حالی که ماهیت دولت جایگزین آن مبهم و مخاطره‌آمیز می‌باشد، ریسک بزرگ دارد چرا که رژیم غاصب هیچ‌گاه از سمت جریان‌های تکفیری از جمله «تحریرالشام» نگرانی نداشته است کما اینکه اظهارات اخیر مقامات این گروه هم نشان داد جایی برای نگران شدن اسرائیل وجود ندارد. پس نگرانی اسرائیل - و آمریکا، ترکیه و حوزه عربی - طبعاً چیزی دیگری است. چه چیزی بیش از دولت اسد در دمشق می‌تواند اسرائیل را تهدید کند؟ این چیزی غیر از سر برآوردن نهائی یک جریان مقاومت مردمی از نوع حزب‌الله لبنان یا از نوع حشدالشعبی عراق یا از نوع انصارالله یمن در سوریه نیست.

سعدالله زارعی

کیهان بررسی کرد

دور افتخار مدعیان اصلاحات با میراث شهید رئیسی

سرویس سیاسی- **روزنامه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات با تمرکز ویژه بر سفر مسعود پزشکیان به مصر و با تیترهای پرطمطراق، سعی در این دارند که روند بهبود روابط با کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا که در دوران شهید رئیسی آغاز گشت را مصادره به مطلوب کرده و آن را به عنوان دستاورد پزشکیان و دولت وی جا بیندازند.**

سفر مسعود پزشکیان به مصر برای اجلاس سران کشورهای عضو سازمان دی ۸ اقدامی پسندیده و مبتنی بر دیپلماسی طراز جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران به‌شمار می‌آید.

این اقدام پسندیده البته نه منحصر به وی و دولت چهاردهم که بیش از هر چیز در امتداد مسیری بود که شهید رئیسی در دولت سیزدهم آغاز کرده و با نگاه ویژه به ظرفیت‌های منطقه‌ای و همچنین فرصت‌های بی‌شمار جهان غیرغربی در برابر دیپلماسی غرب زده برجامی، بهبود روابط با کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را در اولویت قرار داد.

شهید رئیسی و شهید امیرعبداللهیان در کمتر از ۳ سالی که از عمر کوتاه دولت سیزدهم گذشت، پل‌های آسیب‌دیده سیاست خارجی ایران در زمان دولت حسن روحانی را یک به یک بازسازی کرده و از دل سیاست خارجی هوشمند و منطقه‌گرایی دولت سیزدهم، روابط ایران با عربستان سعودی، ترکمنستان و دیگر کشورهای همسایه ایران بهبود یافته و ریل‌های درستی برای برقراری و توسعه روابط با کشورهایی که در طی چند دهه در وضعیت قطع ارتباط دیپلماتیک با ایران قرار داشتند، ایجاد شد.

یکی از این ریل‌گذاری‌ها در موضوع رابطه ایران با مصر بود، دیپلماسی هوشمندانه دولت شهید رئیسی و احاطه ویژه شهید امیرعبداللهیان به مسائل منطقه به واسطه تخصص و سابقه کاری وی در اداره کل غرب آسیا و شمال آفریقای وزارت امور خارجه و رده‌های شغلی مرتبط با منطقه این شهید بزرگوار در وزارت امور خارجه، منجر به این شد که با بهبود نسبی روابط میان دو کشور، به فاصله کمتر از چند ماه، سامح شکری وزیر امور خارجه سابق و بدر عبدالعاطی وزیر خارجه فعلی این کشور به تهران سفر کرده و گفت‌وگوهایی میان رؤسای جمهور دو کشور شکل گیرد.

در برابر این واقعیت عریان، رسانه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات سعی در مصادره کردن این دستاوردها به نفع دولت جدید و چشم‌پوشی از نقش دولت شهید رئیسی در بهبود روابط منطقه‌ای ایران با کشورهای همسایه و دیگر بازیگران منطقه‌ای دارند.

از سویی دیگر برخی از این رسانه‌های زنجیره‌ای همچون سازندگی با ذوق‌زدگی از دیدارهای رئیس‌جمهور در حاشیه اجلاس دی ۸ آن را گفت‌وگوی تمدن‌ها نامیدند.

سازندگی با انتخاب این تیتر علاوه‌بر اینکه در تلاش برای بزرگنمایی هر چه بیشتر، این اقدام پسندیده رئیس‌جمهور کشورمان است، سعی بر ایجاد انگاره تداوم دولت اصلاحات در دولت پزشکیان دارد.

گرچه مدعیان اصلاحات، با این خط خبری، درصدد فشار هرچه بیشتر بر پزشکیان برای تن دادن به خواسته‌های غیرمعقول خود در سیاست داخلی و همچنین سیاست خارجی دارند ولی آنان این نکته را فراموش کرده‌اند که بحث گفت‌وگوی تمدن‌های رئیس‌جمهور دوران اصلاحات در نهایت نه‌تنها بستری را برای بهبود روابط فراهم نساخت که به محور شرارت خواندن ایران توسط رئیس‌جمهور جنایتکار آن زمان آمریکا، بوش پسر ختم شد.

انتخاب‌های پیش روی پزشکیان

مسعود پزشکیان و قوه عاقله سیاست خارجی دولت وی، اکنون و پس از سپری شدن بیش از ۴ دهه از عمر جمهوری اسلامی ایران، کوله‌باری از عبرت‌های تاریخی دولت‌های قبل از خود را برای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری خود در اختیار دارد.

وی از سویی با دیپلماسی انقلابی و هوشمندانه دولت شهید رئیسی روبه‌رو است که بر مبنای آن در کمتر از ۳ سال نه‌تنها کشورمان در مسیر بهبود روابط با همسایگان و بازیگران منطقه‌ای قرار گرفت که بیش از آن، ایران به عنوان عضو رسمی اتحادها و جبهه‌های جدید قدرت جهانی همچون بریکس و شانگهای به دنیا معرفی شد.

این سیاست خارجی توأم با پیگیری مذاکرات و توجه ویژه به حل مسائل مابین ایران و غرب، تمام گزینه‌های خود را در سبد جهان غربی قرار نداد و به همین واسطه وضعیت اسفناک تجارت خارجی کشور در سالیان پایانی دولت دوازدهم را بسیار بهبود بخشید.

در برابر این رویکرد، دولت روحانی و دولت اصلاحات با تکیه صرف بر ادغام در نظم غربی نه‌تنها دستاوردی را از انتخاب این روند به دست نیاوردند که هر بار با خدعه‌های بیشتر از سوی طرفین غربی روبه‌رو شدند.

رویکرد برجامی و غرب‌گرایی که در ۲۴ سال فعالیت دولت‌های سازندگی، اصلاحات و برجام پیگیری شد،در هر سه مورد، با تضییع ابزارهای قدرت ایران به قیمت هیچ تجربه شده و در هر سه دولت مورد اشاره با ناجوانمردی و فشار بیشتر غرب به کشور روبه‌رو شد.

حسن نیت ایران در دوران سازندگی منجر به حسن نیت آمریکای بوش پدر نشد، گفت‌وگوی تمدن‌ها به محور شرارت خواندن ایران ختم شد و برجام روحانی و ظریف به رکورد معکوس فروش ۲۰۰ هزار بشکه‌ای نفت و فشار عظیم آمریکا بر کشورمان در سال‌های پایانی این دولت منجر شد.

پزشکیان اکنون در برابر ۴ دهه تجربه رویکردهای مختلف در سیاست خارجی، جایی برای اشتباه کردن نداشته و اعتماد وی به بانیان خسارت محض برجام، بروکسل و سعدآباد، ایشان را در برابر دادگاه قضاوت ملت ایران قرار خواهد داد.

پزشکیان امروز و پس از چندین ماهی که از ریاست جمهوری‌اش می‌گذرد، بهتر از هر زمانی می‌تواند دستاوردهای دولت مردمی و انقلابی شهید رئیسی را در عضویت ایران در بریکس و شانگهای و بهبود روابط با همسایگان و بازیگران منطقه‌ای ببیند. او مخیر به انتخاب میان دستاوردهای ملموس شهیدان رئیسی و امیرعبداللهیان و نسیه‌های هیچ‌گاه نقد نشده روحانی و ظریف است.

گفت و شنود

حالا چی بخونم؟!

گفت: یکی از روزنامه‌های مدعی اصلاحات با چاپ عکس پزشکیان و السیسی در صفحه اول خود و با تیتر درشت از این دیدار با عنوان «گفت‌وگوی تمدن‌ها» یاد کرده است.

گفتم: کاش یک تیتر دیگر انتخاب می‌کرد که یادآور پیشنهاد گفت‌وگوی تمدن‌های خاتمی نباشد!

گفت: اتفاقاً منظورش زنده کردن پیشنهاد گفت‌وگوی تمدن‌های آقای خاتمی است که با رای تمام کشورهای عضو سازمان ملل به تصویب رسید!

گفتم: ای عوام! مثل این است که در یک جمع بگویی چه کسی با ظلم و ستم مخالف و با عدل و داد موافق است؟ خُب هیچ‌یک از ظالمان و خونریزها و قاتلان با آن مخالفت نمی‌کنند! اما، بعد از تصویب پیشنهاد خاتمی بود که آمریکا، ایران را «محور شرارت»! معرفی کرد، به عراق به بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی حمله کرد و در منطقه و جهان دست به ده‌ها جنایت دیگر زد.

گفت: اگر منظورشان دو تمدن بزرگ ایران و مصر باستان باشد که حرفی نیست ولی اگر آن‌طور که از مواضع اصلاح‌طلبان برمی‌آید، منظورشان همان گفت‌وگوی تمدن‌های خاتمی باشد، باید گفت ملت ایران آن ماجرای قلابی را تجربه کرده‌اند و دیگر فریب نمی‌خورند.

گفتم: زاغی روی درختی نشسته و داشت پیتزا می‌خورد! روباهی او را دید و در حالی که دهنش برای پیتزا آب افتاده بود به او گفت؛ به‌به! چه پر و بال زیبایی، حالا یک دهن هم بخون ببینیم صدایت هم مثل بال و پرت زیباست؟ زاغ پیتزا را گذاشت زیر بغلش و پرسید؛ حالا چی بخونم؟!

عارف:

به جد پیگیر مقابله با مافیای سوخت هستیم

معاون اول رئیس‌جمهور گفت: هنر دولت این است که مشکلات و چالش‌های اساسی را که گریبانگیر دولت شده به افکار عمومی جامعه منتقل نکند. ذات دولت چهاردهم «نگفتن» و «حل‌کردن مسائل» است.

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در دیدار با اعضای هیئت‌رئیسه جبهه اصلاحات ایران تأکید کرد: رئیس‌جمهور اگر در موضوعی به نتیجه‌ای برسد که به نفع کشور است، قطعاً ایستادگی می‌کند و نمونه بارز آن را طی روزهای اخیر مشاهده کردیم.

وی همچنین به ناترازی‌های کشور، از جمله بحران برق اشاره کرده و خاطرنشان کرد: یکی از راهکارهای مؤثر برای رفع این ناترازی‌ها، حرکت به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر و به‌ویژه انرژی خورشیدی است که دولت چهاردهم برای تولید برق از این منابع، برنامه‌ریزی و اقدامات لازم را اتخاذ کرده است.

معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به بحران جدی آب در آینده تصریح کرد: باید نخبگان، مدیران و متخصصان علمی و دانشگاهی در این زمینه چاره‌اندیشی کنند و به دولت کمک نمایند. عارف دیدارهای دوجانبه خود با امیر قطر و ولیعهد عربستان را بسیار مثبت و راه‌گشا دانست و با تأکید بر اهمیت و ضرورت بهبود روابط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای همسایه و منطقه، گفت: فضای خوبی برای همکاری با کشورهای منطقه در دولت چهاردهم ایجاد شده است.

وی با اشاره به شرایط فعلی کشور، و شباهت‌های آن با برخی مقاطع بعد از انقلاب اسلامی، اضافه کرد: «هنر دولت این است که مشکلات و چالش‌های اساسی را که گریبانگیر دولت شده است را به افکار عمومی جامعه منتقل نکند. ذات دولت چهاردهم «نگفتن» و «حل کردن مسائل» است.»

معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به مشارکت ۵۰ درصدی مردم در انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری تصریح کرد: در انتخابات گذشته، نیمی از جامعه آگاهانه به میدان نیامدند و نخبگان باید برای این عدم مشارکت ۵۰درصدی، راهکار و راه‌حل ارائه دهند. زیرا سرمایه اجتماعی برای نظام جمهوری اسلامی ایران، مسئله‌ای مهم است و بخشی از جامعه که در انتخابات شرکت نکردند، باید به‌عنوان سرمایه اجتماعی حفظ شوند.

وی در خصوص مسئله قاچاق سوخت در کشور تصریح کرد: دولت چهاردهم با جدیت پیگیر جلوگیری از قاچاق و مقابله با مافیای سوخت است و توجه به این مسائل بسیار حیاتی است.

معاون اول رئیس‌جمهور در ارتباط با مسئله گزینش در به‌کارگیری و استخدام نیروها تأکید کرد: نباید به‌گونه‌ای باشد که نظام از خدمات نخبگان محروم و حرمت مدیران مخدوش شود. متأسفانه تاکنون این‌گونه بوده و این روند نیازمند اصلاح است.

عارف همچنین رابطه خوب سه قوه را فرصتی خوب برای همکاری‌های منجر به توسعه و پیشرفت کشور توصیف کرد.

در ابتدای این دیدار، رئیس و اعضای هیئت‌رئیسه جبهه اصلاحات ایران به تبیین نقطه‌نظرات خود در مورد کشور، از جمله تحولات منطقه، لزوم تعامل سازنده در عرصه روابط بین‌الملل در راستای منافع ملی و مردم، ضرورت گفت‌وگوی بی‌واسطه با مردم، تقویت اجماع نخبگانی و تقویت ایده محوری دولت پرداختند.

خبر ویژه

اعتراض روزنامه حامی دولت به حذف ارز نیمایی

روزنامه حامی دولت می‌گوید: تصمیم دولت مبنی بر حذف ارز نیمایی و جایگزینی آن با ارز «تجاری» یا «توافقی» خطر افزایش تورم و در پی آن فشار اقتصادی بیشتر بر معیشت مردم را به همراه خواهد داشت.

روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود نوشت: مطابق دستورالعمل بانک مرکزی از روز شنبه ۲۴ آذرماه ۱۴۰۳ عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان در سامانه نظام یکپارچه معاملات ارزی (نیما) می‌توانند نسبت به انجام معامله براساس نرخهای توافقی اقدام نمایند.

اخیرا بانک مرکزی، طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۶ کلیه صادرکنندگان مشمول بند (۲) ماده (۸) آیین‌نامه اجرائی تبصره (۶) بند (ح) ماده (۲) مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به منظور رفع تعهد صادراتی از طریق واگذاری ارز حاصل از صادرات به دیگران، ملزم هستند که ارزهای مذکور را از طریق بازار ارز تجاری مرکز مبادله ارز و طلای ایران عرضه کنند.

بازار ارز نیمایی که در دولت دوازدهم(روحانی) آغاز به کار کرد با هدف تسهیل تأمین ارز و ایجاد فضای امن برای خریداران و فروشندگان ارز راه‌اندازی شد تا هم نیاز واردکنندگان کالاهای غیراساسی و هم نیازهای اشخاص به ارز مدیریت شود و از تلاطم‌ها و نابسامانی‌های ارزی کاسته شود.

سامانه یادشده بدین منظور طراحی شد تا متقاضیان خرید ارز بتوانند درخواست خود را در یک بستر یکپارچه در اختیار فروشندگان ارز قرار دهند و فروشنده‌ای که تمایل به ارائه خدمات دارد بتواند در بستری، رقابتی پیشنهاد خریدار ارز را پاسخ دهد. اگرچه در همان ابتدا انتقاداتی نسبت به راه‌اندازی این بازار وجود داشت و متولیان امر توفیق چندانی هم در دستیابی به اهداف تعیین شده نداشتند اما دولت چهاردهم ضربه آخر را بر پیکر نیمه جان آن زد و با حذف آن بازار ارز را دوباره در شوک فرو برد و آینده معیشت مردم را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

بازار ارز تجاری یا توافقی به این معناست که دیگر دولت دخالتی در تعیین نرخ ارز نخواهد داشت و صادرکننده و واردکننده با توافق به یک نرخ منطقی برسند اشکالی که می‌توان به این بازار جدید گرفت این است که منطق صادرکننده و واردکننده برای نرخ‌گذاری چیست؟ مگر غیر از این است که صادرکننده برای تعیین نرخ حتما نگاهی به بازار آزاد ارز خواهد داشت؟

در حال حاضر نرخ دلار در بازار آزاد تا محدوده ۷۸ هزار تومان بالا رفته و این نرخ به بازار توافقی علامت‌دهی می‌کند این یعنی آن نرخی منطقی است که به نرخ آزاد نزدیک‌تر باشد. اگرچه مسئولان بانک مرکزی وظیفه مداخله در بازار ارز را دارند اما قطعا ارزپاشی هم رویکرد مناسب برای مدیریت تقاضا نیست.

طبق اعلام بانک، مرکزی با توجه به عرضه و تقاضاهای ثبت شده در روز اول کاری بازار توافقی از مجموع ۷۶ میلیون دلار عرضه شده معادل ۳۹,۵ میلیون دلار عرضه منجر به معامله شد که معادل دلاری میانگین موزون نرخ معاملات انجام شده حدود ۵۹ هزار و ۶۴۷ تومان کشف قیمت شد. این نرخ کشف شده تا به حال ثابت نمانده و الان در محدوده ۶۲ هزار تومان است. آنچه که این نرخ را با خود بالا می‌کشد علامت‌دهی‌هایی است که بازار آزاد به بازار توافقی می‌دهد.

بازار آزاد همزمان با زمزمه‌ها مبنی بر اتخاذ رویکرد جدید برای مدیریت تقاضای ارز و تشدید تنش‌های منطقه‌ای نصاب‌های قبلی را جابه‌جا کرده و هر روز در کانال‌های قیمتی بالاتر می‌نشینند. اگرچه در این بین مسئولان مسئولیت بازار آزاد را گردن نمی‌گیرند و اعتنایی به آن ندارند اما این بازار به قیمت‌گذار دیگر بازارها تبدیل شده و پیشروی می‌کند و آنچه بیش از دیگر عوامل در تعیین قیمت اجناس اثر گذار است همین بازار ارز آزاد است.

مسئولان دولت به ویژه وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی باید به این نکته توجه کنند که حذف ارز نیمایی و سپردن مدیریت ارز به بازار توافقی قطعا اثرات جبران‌ناپذیری بر اقتصاد و معیشت مردم خواهد گذاشت. اگر واردکنندگان قبلا با ارز ۵۴ هزار تومانی اقدام به واردات کالا می‌کردند حالا این نرخ بیشتر شده و این یعنی هزینه واردات بالاتر رفته که تبعا در معیشت مردم هم اثر گذار است.

نکته مهم بعدی اینکه با حذف ارز نیمایی ورود کالاهای قاچاق بیشتر خواهد شد چراکه اگر کالایی قبلا به دلیل اختصاص ارز نیمایی به لحاظ قاچاق و ورود غیرقانونی صرفه اقتصادی نداشت از حالا به بعد به دلیل قطع سهمیه ارز حالا به نظر سودمند خواهد رسید و قاچاقچیان بیشتر از قبل دست به کار خواهند شد. کما اینکه الان هم دست به کار هستند.

بازار ارز با حذف یا راه‌اندازی سامانه‌های قدیمی و جدید مدیریت نمی‌شود و مسئولان فعلی هم باید از آثار و نتایج اقدامات دولت‌های قبلی درس بگیرند و قبل از هر چیز توافق بر سر معیشت مردم را بر «بازار توافقی» ترجیح دهند.

اعتماد به نفس عجیب معاون اول دولت روحانی

معاون اول رئیس‌جمهور در دولت روحانی، در ادبیاتی کنایه‌آمیز گفت خدا را شکر کسانی در انتخابات کاندیدا شدند که اطلاعات کمتری از اوضاع کشور داشتند.

اسحاق جهانگیری عضو مرکزیت حزب کارگزاران، در گفت‌وگو با خبرآنلاین اظهار کرد: «۱۴-۱۵ سال است که گرفتار تحریم‌های مختلف هستیم که همه زندگی مردم ایران را تحت‌تاثیر قرار داده است. ما نمی‌توانیم بگوییم که چون مقاومت می‌کنیم، این شرایط می‌تواند ادامه پیدا کند، نتیجه این شرایط همین قطعی برق می‌شود. شرایط فعلی در برق و گاز و ناترازی‌های انرژی یکی از تبعات و دستاوردهای این تحریم است. به مردم ایران ظلم کردند. ما به‌عنوان مسئولین کشور نباید خواب راحت داشته باشیم وقتی می‌بینیم که تحریم جلوی مردم است. باید از تمام ابزارهای قدرت استفاده می‌شد و با نهایت عزت می‌رفتند، مذاکره می‌کردند و معضل تحریم‌ها را حل می‌کردند.

خبرآنلاین نوشت: «آقای جهانگیری! از آقای پزشکیان برای حضور در دولت چهاردهم پیشنهادی داشتید؟» این سؤال دیگری بود که از جهانگیری در «کافه خبر» پرسیدیم و او گفت: «خیر. هیچ پیشنهادی را هم قبول نمی‌کردم، زیرا...».

جهانگیری درباره کاندیداتوری‌اش در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳، گفت: دوستان، از جمله آقای خاتمی و دیگران مدام به من اصرار می‌کردند که کاندیدا شوم، اما من قبول نمی‌کردم. به همین دلیل فکر می‌کردند من از رد شورای نگهبان می‌ترسم. یکی از دوستان در جلسه‌ای عصبانی شد و یکی از اعضای شورای نگهبان را نام برد و گفت فلانی کیست که بخواهد تو را رد کند؟ چرا برایت مهم است؟ من کم قسم می‌خورم، اما آن‌جا مجبور شدم و قسم خوردم که والله نمی‌ترسم، اصلاً برایم مطلوب‌ترین حالت این است که بیایم و رد صلاحیت شوم، چون به مردم هم جواب داده‌ام که من آمدم و چیزی که در توانم بود را عرضه کردم، اما شورای نگهبان رد صلاحیتم کرد. در آن جلسه گفتم بیشتر به این فکر می‌کنم که بیایم، تایید شده و رئیس‌جمهور شوم. تمام سلول‌های بدنم با این فکر درد می‌گیرد.

معاون اول رئیس‌جمهور در دولت یازدهم و دوازدهم در اظهاراتی که کنایه به آقای پزشکیان رئیس‌جمهور هم هست، گفته است: ممکن است یک نفر نداند که قرار است وارد چه صحنه‌ای شود و فقط می‌خواهد رئیس‌جمهور شود، اما من می‌دانم و فکر می‌کنم تعبیرش را در همان روز به کار بردم و گفتم مشکلات به حدی است که من فکر می‌کنم اگر رئیس‌جمهور شوم، شش ماه بعد همین مردم به خیابان می‌آیند و شعار می‌دهند مرگ بر فلانی! استعفا! استعفا! چون به کس دیگری که نمی‌توانند بگویند به رئیس‌جمهور می‌گویند. لذا از نظر خودم دوره سختی است. هرکسی رئیس‌جمهور می‌شد، شرایط سختی بود. خدا را شکر کسانی کاندیدا شدند که اطلاعات کمتری از اوضاع کشور داشتند.

اسحاق جهانگیری ضمن نقد برنامه‌های توسعه گفت: ما باید توسعه ایران را به یک موضوع محوری و مورد تفاهم عموم نخبگان، مردم ایران و مسئولین تبدیل کنیم. این برنامه‌های توسعه شوخی است، وقتی داشتند برنامه ششم را می‌نوشتند من معاون اول بودم. به مجمع تشخیص رفتم و دیدم بحث رشد ۸ درصد مطرح است، گفتم آقایان شما برچه مبنایی از رشد ۸ درصدی حرف می‌زنید؟ گذشته‌تان رشد ۸ درصدی بوده؟ در این سال‌ها که مدام یک درصد و نیم درصد بود. چه اتفاقاتی افتاده است که می‌خواهید بگویید در آینده رشد ۸ درصدی خواهیم داشت. بالاخره وقتی کسی حرفی می‌زند باید مبنایی داشته باشد.

اظهارات از موضع بالای آقای جهانگیری در حالی است که دولت متبوع وی، سرآمد بسیاری از غافلگیری‌ها و بی‌خبری‌ها و سوءتدبیرها محسوب می‌شود و شخص او معاون اول رئیس‌جمهور در دولتی بود که هم کلاه برجام سرش رفت، هم قبول کرد کلاه توافق آب و هوائی پاریس را سرش بگذارند و به کاهش مصرف سوخت فسیلی و در نتیجه توقف روند توسعه نیروگاه‌ها تن داد، هم وزیر نیروی آن ادعا کرد به خاطر ۲۰۰ مگاوات برق زیر بار مافیای نیروگاه‌سازی نمی‌رود، هم دو برابر شدن تحریم‌ها را به جان خرید و هم کشور را گرفتار خسارت‌های جاری برجام (مثل مکانیسم ماشه و...) کرد، هم بدترین رکورد تورم را به ثبت رساند و هم دولت را با خزانه خالی تحویل شهید رئیسی داد و اعضای آن در اولین جلسه با آقای رئیسی گفتند دولت پولی ندارد تا حقوق مرداد ۱۴۰۰ کارمندان خود را بپردازد. منفی شدن رشد اقتصاد، سقوط چشمگیر صادرات نفت، قتل‌عام ۷۰۹ نفری کرونا از مردم، قطع گاز و برق در فصول مختلف سال، توقف خودکفایی گندم و واردات ۸ میلیون تن گندم و... از جمله ویژگی‌های دورانی است که آقای جهانگیری معاون اول بود و روزنامه‌های همسو از او کاریکاتور سوپرمن تصویر می‌کردند.

اما دولت شهید رئیسی با اعتقاد به این که نباید اسیر عملیات فریب و فرصت‌سوزی غرب ماند، واکسیناسیون کرونا را به سرانجام رساند، رایزنی با شرکای سیاسی و اقتصادی فرا غرب را توسعه داد، صادرات نفتی را با وجود تحریم‌ها احیا کرد، بخش مهمی از ناترازی برق و گاز را با تدابیر مختلف مهار کرد، خودکفایی گندم را احیا کرد، به هشت هزار کارخانه تعطیل یا نیمه تعطیل یاری رساند تا تولید را از سر بگیرند، و رشد اقتصادی را به بالای ۵ درصد رساند. قطعا اگر آن روند تداوم پیدا می‌کرد، رشد هشت درصد هم در دسترس بود.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* واضح است که شرایط ایران نسبت به سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ تغییر کرده و ایران نسبت به نه سال گذشته از وضعیت بهتری در حوزه سیاست